

پژوهشی در اعتبار رساله ذهبیه

سید محمد کاظم طباطبایی*

هادی نصیری**

چکیده

رساله ذهبیه یا مذهبه، نوشتاری در دانش پزشکی و منسوب به امام رضا علیه السلام است. در این نوشتار، به منظور ارزیابی اعتبار این رساله و صحت انتساب آن به امام رضا علیه السلام، ابتدا شواهد تاریخی، شهرت و نسخه‌های موجود به عنوان قراین انتساب رساله به امام بررسی شده و سپس سند و طرق آن مورد ارزیابی قرار گرفته و برای ارزیابی متن کتاب، از شواهد و قراین درون متنی و بیرون متنی بهره گرفته شده است. نتیجه این بررسی‌ها این است که انتساب کتاب *الرساله الذهبیه* موجود، به امام رضا علیه السلام ثابت نیست و نمی‌توان با آن به عنوان «سنت» روبه‌رو شد و بدان عمل کرد. بخش پایانی نوشتار، مقایسه برخی مشابهاات متنی رساله ذهبیه با منابع پزشکی کهن است. کلید واژه‌ها: رساله ذهبیه، امام رضا علیه السلام، احادیث پزشکی، ارزیابی سند و متن.

درآمد

رساله ذهبیه یا مذهبه، نوشتاری در دانش پزشکی و منسوب به امام رضا علیه السلام است. چنان‌که از آغاز رساله مشخص است، این متن، به درخواست مأمون، هفتمین خلیفه عباسی به نگارش درآمد^۱ و نام‌گذاری آن به ذهبیه و یا مذهبه، به جهت دستور او به نگارش این رساله با آب طلا بوده است.^۲ آورده‌اند که در نیشابور، در نشست علمی در حضور مأمون و با شرکت پزشکان و

* استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۷. متن رساله ذهبیه در بحار الأنوار (ج ۵۹، ص ۳۰۷ - ۳۵۶) آمده است. به سبب شهرت این نسخه، ارجاعات به نسخه موجود در بحار الأنوار خواهد بود.

۲. رک: همان، ج ۵۹، ص ۳۵۶ (به نقل از ابو محمد الحسن القمی).

فیلسوفان برجسته و ناموران روزگار، نظیر یوحنا بن ماسویه،^۳ جبرئیل بن بختیشوع،^۴ صالح بن بهله هندی^۵ و تنی چند از دانشمندان و اهل نظر، سخن از طب و تندرستی و تدبیر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به میان آمد و درباره آن به بحث و نظر نشستند و از چگونگی تکوین و ساختار بدن انسان و طبایع چهارگانه متضاد در آن و سود و زیان غذاها سخن راندند. در این میان، ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام ساکت نشسته بود. مأمون از ایشان خواست که وارد گفت و گو شود و درباره موضوع بحث سخن بگوید. امام رضا علیه السلام فرمود:

من در این باره تجربیاتی دارم که درستی آن را با آزمایش، گذشت زمان و بهره‌مندی از دانش گذشتگان دریافته‌ام که عذری برای ندانستن و وانهادن این تجربیات وجود ندارد.

امام رضا علیه السلام در ادامه می‌افزاید:

آن مطالب را همراه برخی دیگر از نکته‌های مربوط به آن - که آگاهی از آن مورد نیاز است - مکتوب خواهم کرد.

آورده‌اند که مأمون در آن روز عازم بلخ بود و شتابان بدان دیار رفت و امام علیه السلام در نیشابور ماند. آن گاه، مأمون از بلخ نامه‌ای به امام نوشت و از ایشان خواست که به وعده‌اش عمل کند. امام رضا علیه السلام پس از دریافت نامه، رساله‌ای در این باره نگاشت که متن کامل آن در

۳. یوحنا بن ماسویه، نژادش سریانی و مذهبش نصرانی بود. هارون الرشید، او را مأمور کرد تا کتاب‌های کهن پزشکی را که در شهرهای انقره، عموریه و دیگر بلاد روم وجود داشت و بر اثر استیلای مسلمانان بر آنها به دست آمده بود، به عربی ترجمه کند. به همین منظور، منصب «امین دار الترجمة» را به او واگذار کرد.

یوحنا در دوران خلافت هارون الرشید، امین، مأمون و متوکل عباسی همچنان در این منصب باقی بود. حنین بن اسحاق، شاگرد او بود. فوت او در سامرا به سال ۲۴۳ ق، اتفاق افتاده است. آثاری از او در دانش پزشکی برجای مانده است که از آنها کتاب *الأدویة*، کتاب *الأغذیة و کتاب الفصد والحجامة* است. (تاریخ الأدب العربی، ج ۳ و ۴، ص ۲۶۴).

۴. جبرئیل بن بختیشوع، سومین پزشک نامدار دودمان عباسی و متخصص طب یونانی است. جعفر برمکی، وی را بعد از درگذشت پدرش بختیشوع به نزد خلیفه هارون برد و از آن پس، پزشک خاص خلیفه هارون الرشید گردید و در دربار او مقامی بس ارجمند یافت و از جانب او ریاست پزشکان بغداد را عهده‌دار شد. وی در این سمت در زمان امین باقی بود تا این که در خلافت مأمون در سال ۲۱۳ ق، بدرود زندگانی گفت. از جمله تألیفات او کتاب *الروضه الطیبة* است (طبقات الأطباء، ص ۱۳۷-۱۳۸).

۵. صالح بن بهله هندی، از پزشکان برجسته و آگاه به شیوه‌های طب هندی است. گویند وسعت آگاهی او از طب هندی به اندازه‌ای بود که جبرئیل بن بختیشوع از طب یونانی می‌دانست. در ایام خلافت هارون الرشید در بغداد به سر می‌برده است. ابن ابی اصیبعه در *عیون الأنباء*، حکایت عجیب و شنیدنی‌ای را از او درباره درمان ابراهیم بن صالح، پسرعموی هارون الرشید پس از غسل و کفنش آورده است (عیون الأنباء، ص ۴۳۷-۴۳۹).

جلد ۵۹ بحار الأنوار همراه با شرح و توضیح علامه مجلسی آمده است. به منظور ارزیابی اعتبار این رساله و صحت انتساب آن به امام رضا علیه السلام، ابتدا قراین انتساب رساله به امام را برمی‌کاویم و سپس به ارزیابی سند و متن آن خواهیم پرداخت:

قراین انتساب رساله ذهبیه به امام رضا

قراینی که سبب انتساب این رساله به امام شده است عبارت‌اند از:

۱. شواهد تاریخی

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب *الفهرست خویش* و در معرفی آثار محمد بن حسن بن جمهور عمی بصری، از کتاب *رساله ذهبیه*^۶ *الرساله المذهبه*^۷ نام می‌برد که محمد بن حسن بن جمهور، آن را از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در کتاب *معالم العلماء*، در معرفی آثار همین شخص می‌نویسد:

الرساله المذهبه عن الرضا - صلوات الله عليه - في الطب.^۸

شیخ منتجب الدین علی بن عبید الله بن بابویه (م ۵۸۵ق) نیز در کتاب *الفهرست خویش* و در ضمن ترجمه فضل الله بن علی راوندی (ق ۶)، از اثری با نام *ترجمة العلوی للطب الرضوی* نام می‌برد.^۹ برخی احتمال داده‌اند که این کتاب، ترجمه و یا شرح *رساله ذهبیه* باشد؛^{۱۰} ولی ما تنها از نام کتاب آگاهییم و بدان دسترسی نداریم.

۲. شهرت

علامه مجلسی در توثیق مصادر بحار الأنوار، این کتاب را با نام *طب الرضا* معرفی کرده^{۱۱} و آن را از کتب مشهور برشمرد و وعده کرده که تمام آن را در «کتاب السماء و العالم» خواهد آورد.^{۱۲}

۶. الفهرست (طوسی)، ص ۲۲۳.

۷. الفهرست، تصحیح: محقق طباطبایی.

۸. معالم العلماء، ص ۱۰۳.

۹. الفهرست (منتجب الدین)، ص ۹۶.

۱۰. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۶۴؛ تعلیقه أمل الآمل، ص ۲۲۹؛ خاتمه المستدرک، ج ۱، ص ۲۲۴، رقم ۲؛ الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۶۴.

۱۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱.

۱۲. همان، ج ۱، ص ۳۰.

۳. نسخه‌های موجود

نسخه مشهور رساله ذهبیه‌ای که اکنون چاپ شده و در دسترس ماست، دست نوشت محقق کرکی (م ۹۴۰ق) است. این نسخه در اختیار علامه مجلسی بود و ایشان متن کامل آن را در کتاب بحار الأنوار وارد کرد.

نسخه‌های دیگر این رساله، با این نسخه، تفاوت‌هایی دارند؛ برخی از آنها متونی را اضافه آورده‌اند و برخی دیگر، مقداری از متون را ندارد. تفاوت‌های جزئی فراوان دیگری نیز در اجزای این رساله به چشم می‌خورد.

از رساله ذهبیه، سه نسخه کهن تر از نگارش مرحوم محقق کرکی تاکنون یافت شده است؛ ولی بعد از نگارش ایشان، نسخه‌های این کتاب فراوان شده‌اند.^{۱۳} اکنون به توصیف سه نسخه نخست می‌پردازیم:

۱. نسخه کتابخانه فاتح ترکیه: کهن‌ترین نسخه موجود از رساله ذهبیه، ترجمه فارسی رساله ذهبیه به قلم حسن بن ابراهیم سلماسی در سال ۶۱۴ ق، است که نشان دهنده وجود نسخه عربی این کتاب، قبل از این تاریخ است. این نسخه به شماره ۵۲۹۷/۴ ثبت شده و تمام آن به همراه مقدمه توصیفی به چاپ رسیده است.^{۱۴} نسخه‌ای دیگر از همین ترجمه در کتابخانه بغداد وهبی ترکیه به شماره ۱۴۸۸/۹ نگهداری می‌شود.

۲. نسخه کتابخانه آیه الله حکیم عراق: کهن‌ترین نسخه عربی رساله ذهبیه است که در ذی حجه سال ۷۱۵ ق، نگارش شده است. این نسخه به خط عبد الرحمان، معروف به ابو بکر بن عبد الله کرخی است و در کتابخانه عمومی آیه الله حکیم در نجف اشرف به شماره ۲۳۷ نگهداری می‌شود. این نسخه، دارای سند است؛ ولی متن آن، قدری اضطراب دارد و دقت شایسته‌ای در آن به چشم نمی‌خورد.^{۱۵}

۳. نسخه کتابخانه اسکوریال اسپانیا: تاریخ دقیق کتابت آن معلوم نیست؛ ولی به عقیده برخی کارشناسان و با توجه به خط و علائم نگارشی آن در سده‌های هفتم یا هشتم هجری نگارش شده است. این نسخه در ضمن مجموعه‌ای، به شماره ۷۰۷ ثبت شده است.^{۱۶}

۱۳. رک: فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۴، ص ۷۳ - ۷۵.

۱۴. رک: «رساله ذهبیه (در علم طب) منسوب به حضرت رضا علیه السلام».

۱۵. فهرست عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۳، ص ۱۶۶.

16. Hart wig Derenbourg, Manuscripts Arabes De Lescorial, Tome Pvemier No 707, P 507 - 513, Paris, 1884.

ارزیابی صحت انتساب رساله به امام

برای ارزیابی صحت انتساب رساله ذهبیه موجود به امام رضا علیه السلام، بررسی دقیق سند و متن آن ضروری است.

۱. بررسی اسناد

ارزیابی سندی رساله ذهبیه، نیازمند شناخت کامل طُرُق و بررسی رجالی افراد واقع در اسناد آن است. علامه مجلسی گزارش نسبتاً جامعی از مجموعه اسناد فراهم آورده است.^{۱۷} برخی از گزارش‌های موجود از رساله ذهبیه، از جمله گزارش مرحوم محقق کرکی، مرسل است. تمامی گزارش‌های مرسل و مسند هم در نهایت، به یک نفر، یعنی محمد بن جمهور عمّی منتهی می‌شود.

مشکل اصلی در میزان اعتبار سند نیز راوی اول آن یعنی محمد بن جمهور است.

(۱) ارزیابی راوی اول

محمد بن جمهور در میان رجالیان، توثیق ندارد و متهم به غلو است. نظر رجالیان در باره وی چنین است:

الف) نجاشی (م ۴۵۰ق) در باره وی نوشته است:

محمد بن جمهور، ابو عبد الله عمّی، در حدیث، ضعیف و فاسد المذهب است. در باره او چیزهایی گفته‌اند که خداوند از بزرگی آنها آگاه است. از امام رضا علیه السلام روایت کرده و کتاب‌های الملاحم الکبیر، نوادر الحجج و ادب العلم، از آن اوست.^{۱۸}

مرحوم نجاشی از رساله ذهبیه، یاد نکرده است.

ب) شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب الرجال خود در باب اصحاب امام رضا علیه السلام نوشته است:

محمد بن جمهور العمّی، عربی، بصری غالی؛

محمد بن جمهور عمّی، عرب، اهل بصره و از غالیان است.^{۱۹}

و نیز در کتاب الفهرست می‌نویسد:

محمد بن حسن بن جمهور عمّی بصری، دارای چندین کتاب است: کتاب الملاحم،

۱۷. رک: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ - ۳۰۷.

۱۸. رجال النجاشی، ص ۳۳۷، ش ۹۰۱.

۱۹. رجال الطوسی، ص ۳۶۴، ش ۵۴۰۴.

کتاب الواحدة، کتاب صاحب الزمان و الرسالة المذهبية، به نقل از امام رضا علیه السلام. کتاب وقت خروج القانم نیز از اوست. جماعتی، تمام روایات او را به استثنای روایاتی که در آن غلو و یا تخلیط وجود دارد، برای ما روایت کرده اند.^{۲۰}

ج) ابن غضایری (ق ۵) می گوید: محمد بن حسن بن جمهور، ابو عبد الله از قبيلة بنی عمّ، غالی و فاسد الحدیث است. حدیث او را نمی نویسند. شعری از او دیدم که در آن، حرام های خدا را حلال شمرده بود.^{۲۱}

د) علامه حلی (م ۷۲۶ ق) نیز درباره محمد بن جمهور چنین نگاشته است:
 كان ضعيفاً في الحديث، غالباً في المذهب، فاسداً في الرواية، لا يلتفت إلى حديثه و لا يعتمد على ما يرويه؛^{۲۲}
 در حدیث، ضعیف و در عقیده، اهل غلو و در نقل روایت، ناستوار بوده است. به حدیث او توجهی نمی شود و به آنچه روایت می کند، اعتمادی نیست.

ه) آیه الله خویی با استناد به توثیق عام رجال موجود در تفسیر علمی بن ابراهیم، او را توثیق می کند و می نویسد:

اگر چه این فرد، عقیده فاسدی دارد، ولی ثقه و قابل اعتماد است؛ زیرا علی بن ابراهیم، برواقت او شهادت داده است.^{۲۳}

به نظر می رسد که این استنتاج، با مشکلات چندی روبه روست؛ زیرا:
 الف. مبنای توثیق تمام راویان موجود در تفسیر علمی بن ابراهیم، دچار چالش است و پسینیان (حتی برخی شاگردان ایشان) نیز آن را نپذیرفته اند.^{۲۴}

ب. مطابق با مبنای آیه الله خویی، توثیق عام علی بن ابراهیم، در مواردی کارساز است که با تضعیف خاص رجالیان مواجه نشود. در جایی که نجاشی به صراحت، فردی را تضعیف می کند و شیخ طوسی نیز او را غالی می شمرد، استناد به توثیق عام علی بن ابراهیم و کنار نهادن تضعیف خاص توسط نجاشی و شیخ طوسی، تمام نیست.

نکته: شیخ طوسی پس از غالی شمردن محمد بن جمهور و نام بردن از کتاب های او نوشته است: جماعتی، تمام روایات او را به استثنای روایاتی که در آن غلو و تخلیط وجود

۲۰. الفهرست، ص ۲۲۳-۲۲۴، ش ۶۲۶.

۲۱. رجال ابن الغضائری، ص ۹۲، ش ۱۳۱.

۲۲. رجال العلامة الحلی، ص ۲۵۱.

۲۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۲۴. رک: کلیات فی علم الرجال، ص ۳۱۱ - ۳۱۶: اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ص ۱۶۰ - ۱۸۰.

دارد، برای ما روایت کرده‌اند.^{۲۵}

آیه الله خوئی با استناد به سخن شیخ طوسی می‌نویسد:

احادیث گزارش شده توسط وی به خاطر تخلیط و غلوی که در روایاتش وجود دارد، ضعیف شمرده می‌شود. این مشکل، با تدبیر شیخ طوسی در نقل روایات او حل می‌شود؛ زیرا شیخ گفته است که تنها روایات خالی از غلو و تخلیط او را نقل کرده است. بنا بر این، عمل به روایاتی که شیخ از او در کتاب‌های حدیثی نقل کرده، مانعی ندارد.^{۲۶}

البته باید گفت که مرحوم آیه الله خوئی، در صدد بیان اعتبار رساله ذهبیه نیست؛ بلکه دیگر روایات محمد بن جمهور، مورد توجه ایشان است. از این رو، حتی با استدلال آیه الله خوئی، تنها گزارش‌های شیخ طوسی از محمد بن جمهور معتبر خواهد بود و دلیلی بر گزارش کردن رساله ذهبیه توسط شیخ طوسی وجود ندارد. به عبارت دیگر، شیخ طوسی هیچ متنی را از رساله ذهبیه در کتاب‌های خود گزارش نکرده است؛ حتی در جایی که استدلال ایشان نیازمند به فقره‌ای بوده که در رساله ذهبیه، وجود داشته است.^{۲۷}

نتیجه آن که راوی اصلی رساله ذهبیه، از جانب نجاشی، شیخ طوسی، ابن غضایری، و علامه حلی، تضعیف شده است و معتبر نیست. از این رو، حتی اگر تمام افراد واقع در اسناد رساله ذهبیه هم معتبر باشند، نتیجه به دست آمده، تغییری نخواهد کرد.

۲. ارزیابی طُرُق

افزون بر مشکل موجود در باره راوی اول رساله ذهبیه، طُرُق موجود در نسخه‌ها و فهرست‌ها هم معمولاً دچار مشکل هستند. بیشتر نسخه‌های موجود از رساله، سند متصل به امام رضا علیه السلام ندارند و مرسل محسوب می‌شوند. ارزیابی تفصیلی طرق، از این قرار است:

(۱) نسخه مرحوم محقق کرکی، از هیچ سند و طریقی ندارد.

(۲) علامه مجلسی، سند دیگری را به گونه‌ی وجاده به نقل از آثار برخی از افاضل گزارش کرده است:

قال موسى بن علي بن جابر سلامي: أخبرني الشيخ الأجل العالم الأوحى سديد الدين يحيى بن محمد بن علبان الخازن - ادا م الله توفيقه - ، قال: أخبرني أبو محمد الحسن بن

۲۵. الفهرست، ص ۲۲۴، ش ۶۲۶.

۲۶. معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۲۷. عمل حائض، رك: المبسوط، ج ۴، ص ۲۴۳.

محمد بن جمهور، قال: حدّثنی اُبی.^{۲۸}

این طریق نیز مرسل محسوب می‌شود؛ زیرا تنها سه نفر واسطه در سند ذکر شده‌اند که با توجه به فاصله نهصد ساله علامه مجلسی تا دوره امام رضا علیه السلام و جاده محسوب می‌شود و افتادگی زمانی طولانی در سند وجود دارد. افزون بر این، بعضی الأفاضل نیز مشخص نیستند تا دوره تاریخی آن مشخص شود. موسی بن علی بن جابر سلامی نیز مجهول است و دوره او مشخص نیست. از این رو، این سند، ضعیف محسوب می‌شود.

۳) سند دیگر موجود در کتاب *بحار الأنوار*، سندی و جاده‌ای دیگری است که علامه مجلسی از برخی دیگر از افاضل این گونه نقل کرده است:

قال هارون بن موسی التلعکبری، حدّثنا محمد بن هشام بن سهل، قال: حدّثنا حسن بن محمد بن جمهور، قال حدّثنی اُبی...^{۲۹}

این سند نیز دارای مشکل است؛ زیرا واسطه بین فردی که با عنوان بعضی الأفاضل از او یاد شده است و هارون بن موسی تلعکبری، معلوم نیست. محمد بن هشام بن سهل نیز در این طبقه از راویان وجود ندارد.^{۳۰}

۴) مشابه سند پیشین، در نسخه رساله ذهبیه موجود در کتابخانه آیه الله حکیم نجف در اشرف وجود دارد. در این سند، تلعکبری از محمد بن همام بن سهل نقل روایت می‌کند. احتمال قوی، آن است که سند پیشین نیز تصحیف شده همین سند باشد که همام به هشام، تصحیف شده است.

اشکال این سند نیز همانند سند پیشین است؛ زیرا افزون بر مشخص نبودن واسطه میان علامه مجلسی تا هارون بن موسی تلعکبری، شخصی با نام محمد بن همام بن سهل نیز در این طبقه وجود ندارد.

۵) ممکن است تصور شود که طُرُق شیخ طوسی و شیخ نجاشی به محمد بن جمهور عمی نیز می‌تواند به عنوان سند رساله ذهبیه شمرده شود. این پندار، صحیح نیست؛ زیرا نجاشی از رساله ذهبیه، نام نبرده است. شیخ طوسی نیز معلوم نکرده است که آیا رساله

۲۸. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶.

۲۹. همان، ج ۵۹، ص ۳۰۷.

۳۰. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۳۴۰. آیه الله خوبی نوشته است: «در این طبقه از راویان، شخصیت معروفی که نامش محمد بن هشام باشد به غیر از خثعمی وجود ندارد. محمد بن هشام خثعمی از اصحاب امام صادق علیه السلام است که به او محمد بن هشام کوفی نیز می‌گفته‌اند.»

ذهبیه را جزء گروهی می‌شمارد که در بردارنده غلو و تخلیط هستند و از آنها اعراض کرده است و یا از گروه متعادل هستند که آنها را گزارش می‌کند.

نتیجه ارزیابی سند

از مطالب پیشین، معلوم می‌گردد که سند رساله ذهبیه، معتبر نیست؛ زیرا راوی اول و مشترک در اسناد، تضعیف شده است. افزون بر این، بقیه اجزای سند نیز دارای اشکال هستند.

۲. بررسی متن رساله

ممکن است برخی با ادعای تساهل و عدم سخت‌گیری در مطالب غیر فقهی، ضعف سندی رساله ذهبیه را توجیه کنند. در جواب می‌گوییم که این ادعا در موردی صحیح است که قراین متنی، اعتبار متن حدیث یا مضمون آن را اثبات کنند. در این موارد، بررسی شواهد و قراین درون‌متنی و برون‌متنی - که سبب کاهش یا افزایش اعتماد بر متن می‌گردد - اهمیت بیشتری می‌یابد. در این مختصر، به قراین کاهنده اعتماد اشاره می‌کنیم و میزان اعتماد بر این متن را می‌کاویم:

۱. قراین برون‌متنی

الف) مشابهت با متون طبّی معاصر با امام رضا: مقایسه متن رساله ذهبیه با دیگر متون طبّی دوره هارون و مأمون، معلوم می‌کند که این رساله نیز نوشتاری همانند آنهاست و مطلب خاصی افزون بر آنها ندارد. از این رو، اعجاب مأمون از این رساله و فرمان به نوشتن آن با آب طلا و نامیده شدن آن به رساله ذهبیه یا مذهبه، چندان موجه نیست؛ زیرا مطالب موجود در آن، از جمله متون رایج در طب کهن و سنتی بوده است.

مقایسه تفصیلی این رساله با کتاب‌هایی همچون *الرساله الهارونیه*، نگاشته مسیح بن حکم دمشقی، *التذکره المأمونیه فی منافع الأغذیه*، نگاشته جبرئیل بن بختیشوع و *رساله بختیشوع للمأمون العباسی فی تدبیر البدن*، نشان دهنده نزدیکی کامل متون و حتی مشابهت در الفاظ است (به پیوست، مراجعه شود).

ب) عدم امکان حضور ابن بختیشوع: این جلسه در هر کجا که تشکیل شده باشد، باید در حدود سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ ق، یعنی پس از حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه به سمت

خراسان و قبل از شهادت ایشان اتفاق افتاده باشد؛ در حالی که بنا بر گزارش‌های تاریخی، جبرئیل بن بختیشوع در این سال‌ها به دستور مأمون و به اتهام همکاری با امین، در «حضرة» زندانی بوده است.^{۳۲}

او در همان سال‌ها از زندان آزاد شد؛ ولی هنگام ورود مأمون به «حضرة» در سال ۲۰۵ ق، او از کار پزشکی نیز ممنوع شد.^{۳۳}

ج) عدم استناد فقیهان و محدثان تا قرن دوازدهم: فقیهان و محدثان قبل از علامه مجلسی هیچ گزارشی از این کتاب نقل نکرده‌اند:

۱. در طریق شیخ طوسی به رساله ذهبیه، از شیخ صدوق نیز یاد شده است. شیخ صدوق در کتاب ویژه خود برای امام رضا علیه السلام با نام *عیون اخبار الرضا* علیه السلام از مجالس امام یاد کرده و مناظرات ایشان را به تفصیل آورده است، ولی هیچ اشاره‌ای به این مجلس، سخن امام و رساله ذهبیه نکرده است.

۲. شیخ طوسی در فرع مربوط به جواز چند آمیزش بدون غسل، با استناد به اجماع و یک روایت، آن را جایز شمرده^{۳۴} و اشاره‌ای به روایت مخالف موجود در رساله ذهبیه نکرده است.^{۳۵}

۳. سید ابن طاووس - که کتابخانه شیخ طوسی در اختیار ایشان بوده است -^{۳۶} در کتاب *الأمان من اخطار الأسفار والأزمان*، دو رساله در باره حفظ الصحه گزارش کرده است:

الف. رساله قسطا بن لوقای بعلبکی،

ب. رساله براء الساعه نگاشته محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۳ق)؛

با این وجود، جناب سید ابن طاووس رساله ذهبیه را - که در همین موضوع است و بخشی از آن، مشابه رساله قسطا بن لوقا است - نقل نکرده و حتی بدان اشاره نیز ننموده است. با توجه به کرنش جناب سید ابن طاووس در مقابل متون نقلی، می‌توان اطمینان یافت که ایشان این رساله را از امام رضا نمی‌شمرده است.

۳۱. حضرة، به کسر حاء و سکون ضاد، اسم مکانی در تهامه است و الخضر به فتح حاء و سکون ضاد، اسم شهری است که بین تکریت و موصل و فرات واقع شده است (معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۶۷ - ۲۷۱).

۳۲. رک: *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*، ص ۱۶۷ - ۱۶۹.

۳۳. همانجا.

۳۴. *المبسوط*، ج ۴، ص ۲۴۳.

۳۵. *بحار الأنوار*، ج ۵۹، ص ۳۲۱.

۳۶. رک: کتاب *خانه ابن طاووس و احوال و آثار آن*، ص ۲۶۷.

۴. مرحوم محقق کرکی (م ۹۴۰ق) - که نسخه رساله ذهبیه توسط ایشان استنساخ شده و به دست علامه مجلسی رسیده است - نیز در کتاب فقهی گسترده خویش، یعنی جامع المقاصد، به این رساله استناد نکرده است.

۵. همگام با این بزرگواران، هیچ یک از فقیهان یا محدثان قبل از دوره علامه مجلسی، به این رساله استناد نکرده‌اند؛ یعنی فقهای پیشین یا این رساله را نمی‌شناخته‌اند و یا آن را به عنوان حدیث نمی‌پذیرفته‌اند.

این نکته، بسیار عجیب می‌نماید که نگاشته‌ای از معصوم وجود داشته باشد و در طول حدود هفتصد سال، هیچ گزارشی از آن در مصادر حدیثی نقل نشود.

پس از انتشار این رساله در بحار الأنوار، برخی از فقیهان همچون فاضل هندی (م ۱۱۳۷ق)،^{۳۷} شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق)، ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ق)،^{۳۸} و محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ق)،^{۳۹} به این رساله استناد کرده‌اند.

۲. قرینه‌های درون‌متنی

الف) تشکیل جلسه در نیشابور: در بیشتر گزارش‌ها از تشکیل این جلسه در نیشابور سخن گفته شده است؛ در حالی که امام رضا هیچ‌گاه به همراه مأمون در نیشابور حضور نداشته‌اند. آن‌گاه که امام رضا از مدینه به نیشابور وارد شدند، مأمون در مرو بود و آن هنگام که ایشان همراه با مأمون از مرو به خراسان بازگشتند، امام رضا قبل از رسیدن به نیشابور، در قریه سناباد به شهادت رسیدند.

ب) خوردن تریاق اکبر: یکی از بخش‌های بحث برانگیز رساله ذهبیه، سفارش نویسنده به مأمون در باره خوردن تریاق اکبر بعد از حجامت است.^{۴۰}

تریاق اکبر (فاروق)، دارویی ترکیبی است که توسط اندروماخس، طبیب یونانی ابداع شده و از اثر درمانی خارق العاده‌ای برخوردار است. اجزای اصلی این دارو، عبارت‌اند از: شراب، گوشت مار افعی و جندبیدستر که بیضه یک نوع سگ است. خوردن این دارو به سبب دارا بودن اجزای نجس و حرام، جایز نیست.^{۴۱}

۳۷. رک: کشف اللثام، ج ۷، ص ۱۹.

۳۸. رک: ریاض المسائل، ج ۱۱، ص ۳۵.

۳۹. رک: جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵۸.

۴۰. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۰.

۴۱. رک: تذکره الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۴۰ و فیه: ولا یجوز شربه للتداوی الامع خوف التلف.

نکته جالب، آن که محقق کرکی - که نسخه اصلی رساله ذهبیه به خط ایشان است - نیز تریاق اکبر را حرام شمرده و آن را فاقد مالیت دانسته است.^{۴۲} علامه مجلسی در توجیه این قسمت از رساله ذهبیه نوشته است:

تریاق اکبر را باید بر تریاقی حمل کرد که دارای اجزای حرام نباشد.^{۴۳}

برخی دیگر از شارحان رساله ذهبیه نیز نوشته اند:

در حالت غیر اضطرار، باید تریاق اکبر بدون اجزای حرام مصرف شود.^{۴۴}

به نظر می رسد که این توجیه، تمام نباشد؛ زیرا: اولاً، تریاق اکبر، نامی مشهور برای دارویی خاص است. اگر مراد نویسنده رساله از آن، نبودن اجزای حرام و نجس باشد، باید به صراحت بیان شود. ثانیاً، بو علی سینا در باره این دارو نوشته است:

پزشکان بسیاری تلاش کردند تا اجزای تریاق فاروق را کم و زیاد کنند و ترکیب جدیدی تولید نمایند و نام خود را جاودانه سازند، ولی موفق نبودند؛ زیرا اثر جاودیدی و معجزه آسای آن فقط در همان ترکیب اولیه وجود دارد.^{۴۵}

از این سخن معلوم می شود که ترکیب این دارو، با چنین خواصی غیر قابل تغییر است.

ج) حجامت و دوره آن: در این رساله آمده است که فاصله حجامت باید به مقدار گذشت سالیان عمر مشخص باشد. فرد بیست ساله، هر بیست روز حجامت کند و فرد سی ساله و چهل ساله، پس از گذشت سی یا چهل روز، این دستور، با تجویز پزشکان در فاصله بین دو حجامت، عدم حجامت پس از شصت سال، عدم حجامت کودک کمتر از دو سال و بیش از شش سال و... منافات دارد.

د) عدم خوردن صبحانه و شام: در رساله ذهبیه، توصیه غذایی به مأمون این گونه است: یک روز، تنها یک وعده غذا پس از هشت ساعت از برآمدن آفتاب و روز دیگر، دو وعده غذا صبحانه و شام. یعنی سه وعده غذا در دو روز.^{۴۶}

این دستور غذایی، با روایات فراوانی که توصیه اکید به خوردن شام (عشا) دارند، در

۴۲. جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۱.

۴۳. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۴۶.

۴۴. الفوائد الرضویه، ص ۹۶.

۴۵. القانون فی الطب، ج ۳، ص ۲۲۶۹.

۴۶. رک: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۱.

تعارض است. روایات ما تأکید بر عدم ترک شام دارند؛^{۴۷} در حالی که پزشکان کهن، بر ترک خوردن شام اصرار داشته‌اند.^{۴۸}

جالب آن که دستور غذایی سه وعده غذا در دو روز، دستوری پزشکی است که توسط پزشکان سنتی بر آن تأکید شده است.^{۴۹}

در قسمتی از رساله ذهبیه آمده است: «کذا أمر جدی محمد علیاً فی کلّ یوم وجبة و فی غدة و جبّتين».^{۵۰} این سخن نیز شاذ است و مؤیدی در متون روایی ندارد. روایات توصیه کننده به صبحانه و شام نیز با آن تعارض دارند.

۵) ادبیات رساله ذهبیه: ادبیات به کار رفته در رساله ذهبیه، تفاوتی آشکار با روایات طبّی شیعه دارد؛ همچنان که مشابهت تام با نگاه‌های طبّی یونانی و هندی دارد؛ اگر چه در برخی از موارد با آن نیز مخالف است.

۶) واژگان به کار رفته در رساله ذهبیه: این واژگان نیز با واژگان روایات طبّی، متفاوت و با واژگان مصادر پزشکی، مشابه است؛ واژه‌هایی همچون: قرن الأیل، کزمازج، حبّ الأثل، ملح أندرانی، آفاقیا، سکباج، مرزنجوش، شیرخشت، آبن، تمریخ و ثجیر العصفرو... بسیاری از این واژه‌ها فارسی و برخی نیز ویژه پزشکان یونان و غیر یونان بوده و در روایات طبّی نیز به آنها اشاره نشده است.

۷) تفاوت عبارات رساله ذهبیه با مبادی علم امام: در مقدمه رساله ذهبیه، آگاهی نویسنده از این امور، بنا بر تجربه شخصی و اختبار (آزمایش) دانسته شده است:

عندی من ذلک ما جریته و عرفت صحته بالاختبار و مرور الأيام، مع ما وقفنی علیه من مضی من السلف مما لا یسع الانسان جهله، و لایعذر فی ترکه، و أنا أجمع ذلک مع ما یقاربه مما یحتاج الی معرفته.^{۵۱}

روشن است که این عبارت، با مبادی علم امام و دانش افزایی غیبی او تفاوت آشکار دارد.

جالب آن که این عبارت، مشابهت فراوانی با عبارت مسیح بن حکم دمشقی، پزشک مخصوص هارون الرشید، در کتاب الرساله الهارونیه دارد. او در توصیف نگاه‌شسته خویش

۴۷. رک: دانش نامه قرآن و حدیث، باب الأکل؛ موسوعة الاحادیث الطبیة، ج ۲، ص ۴۷۷ - ۴۸۳.

۴۸. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۰.

۴۹. القانون فی الطب، ج ۱، ص ۲۳۰.

۵۰. رک: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۱.

۵۱. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۰۷.

نوشته است:

هذا ما بلغت تجربته و اختبرته و وقتت على اكثره و ما لم اخبر به اخذته عن الثقات
من أهل الدين و الورع.^{۵۲}

نتیجه ارزیابی

با توجه به این که به رساله‌ای با نام «رسالة ذهبیه» یا «طب الرضا» در مصادر کهن شیعی اشاره شده است، بنا بر این احتمال صدور رساله‌ای این گونه از امام رضا علیه السلام منتفی نیست؛ ولی انتساب کتاب «الرسالة الذهبیه» موجود، به امام رضا علیه السلام ثابت نیست و نمی‌توان با آن به عنوان «سنت» روبه‌رو شد و بدان عمل کرد؛ زیرا افزون بر تضعیف راوی اول، افتادگی در اسناد نیز دارد و ممکن است به تحریف یا تصحیف دچار شده باشد.

قراین درون‌متنی و بیرون‌متنی نیز اعتماد بر این رساله را کاهش می‌دهد. ناآشنایی فقهای پیشین و حتی اطبای شیعه با این کتاب، همسان بودن آن با دیگر آثار پزشکی نگاشته شده در آن دوره، تنافی برخی از مطالب آن با یافته‌های روایی و پزشکی، تجویز خوردن «تریاق فاروق» در غیر حالت ضرورت و اضطراب با وجود آن که از اجزای حرام و نجس تشکیل شده است و... از قراینی است که اعتماد بر این متن را کاهش می‌دهد.

پیوست

مشابهات متنی رساله ذهبیه با منابع پزشکی کهن

● رساله ذهبیه: وليكن الماء ماء السماء إن قدر عليه، وإلا فمن الماء العذب الذي ينبوعه من ناحية المشرق ماءً براقاً أبيض خفيفاً، وهو القابل لما يعترضه على سرعة من السخونة والبرودة، وتلك دلالة على خفة الماء.^{۵۳}

قال الحكيم أبقراط: إن خير المياه ما نبع وجرى من ناحية المشرق، ويكون مثل ذلك من المياه الفاضلة أبيض براقاً وخفيفاً... ويسخن بسرعة ويستدل على استحالته على لطافته وخفته وأما البطيئ الإستحالة فإنه يدل على غلظه.^{۵۴}

قال البقراط: الماء الذي يسخن سريعاً ويبرد سريعاً هو أخف المياه، وأن ماء المطر أخف

۵۲. الرسالة الهارونية، ص ۴۶۲.

۵۳. بحار الأنوار ج ۵۹، ص ۳۱۵.

۵۴. فردوس الحكمة، ص ۳۵۱.

المياه وأصفاها وأعذبها وأرقها.^{٥٥}

● رساله ذهبیه: فمن أراد حفظ الأسنان، فليأخذ قرن الإيتل محرقاً وكزمازج وسُعداً وورداً وسنبل الطيب وحب الأثل أجزاء سواء وملحاً أندرانياً ربع جزء، فيدق الجميع ناعماً ويستقن به...^{٥٦}

قال جالينوس: [في حفظ الأسنان]... ويحفظ السواك والسنون، ولا يؤكل الحار بعقب البارد ولا البارد بعقب الحار. سنون يحفظ على الأسنان صحتها، صفته: قرن أيتل مُحرق، و كزمازك، وورد، وسنبل الطيب أجزاء سواء، ملح أندراني ربع جزء ويستقن به...^{٥٧}

● رساله ذهبیه: اللبن والنبيد الذي يشربه أهله إذا اجتمعوا ولدا النقرس والبرص.^{٥٨}

رساله بختيشوع للمأمون: النبيد واللبن إذا اجتمعوا ولدا النقرس والبرص.^{٥٩}

● رساله ذهبیه: ومن أراد أن يقل نسيانه ويكون حافظاً، فليأكل كل يوم ثلاث قطع زنجبيل مربى بالعسل.^{٦٠}

رساله بقراط في تعليم المعالجات: وإن أحببت أن تكون حافظاً ولا تنسى، فكل في كل غداة مثقالاً من زنجبيل مربى بالعسل.^{٦١}

● رساله ذهبیه: ومن أراد أن لا يصيبه اليرقان، فلا يدخل بيتاً في الصيف أول ما يفتح بابه، ولا يخرج منه أول ما يفتح بابه في الشتاء غدوة.^{٦٢}

رساله بقراط في تعليم المعالجات: وإن أحببت أن لا يُصيبك اليرقان، فلا تدخل البيت إذا كان مردوداً قبل أن يفتح بابه ولا تخرج من البيت أول ما يفتح الباب أيام الشتاء حين تذهب من البيت، تسلم من اليرقان والزكام.^{٦٣}

● رساله ذهبیه: ودخول الحمام على البطنة يوولد القولنج.^{٦٤}

رساله بختيشوع للمأمون العباسي في تدبير البدن: ودخول الحمام على امتلاء الجوف يوولد

٥٥. أدب الطيب، ص ٧٠.

٥٦. بحارالانوار، ص ٣١٧.

٥٧. غنى منى، كتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی ٤٨٥٠، برگ ٥٣.

٥٨. بحارالانوار ج ٥٩، ص ٣٢١.

٥٩. رساله بختيشوع للمأمون العباسي في تدبير البدن، ١٤٠١/٢.

٦٠. بحارالانوار ج ٥٩، ص ٣٢٤.

٦١. رساله بقراط الحكيم في تعليم المعالجات، برگ ٥٤-٥٦.

٦٢. بحارالانوار ج ٥٩، ص ٣٢٥.

٦٣. رساله بقراط الحكيم في تعليم المعالجات، برگ ٥٤-٥٦.

٦٤. بحارالانوار ج ٥٩، ص ٣٢١.

القولنج.^{٦٥}

- رساله ذهيبه: و أكل الأترج بالليل يقلب العين و يوجب الحَوْل.^{٦٦}
- رساله بختيشوع للمأمون: و أكل الأترج يوَلد الحَوْل.^{٦٧}
- التذكرة المأمونية: و أكل الأترج بالليل يورث الحَوْل في الأولاد.^{٦٨}
- رساله ذهيبه: و مياه الثلوج و الجليد فردية لساير الأجساد و كثيرة الضرر جداً^{٦٩}
- قال بقراط: و مياه الثلوج و الجليد رديّة جداً.^{٧٠}
- قال بقراط: أما ماء الثلوج و ماء الجمد فكله رديٌّ.^{٧١}

كتابنامه

- أدب الطيب، اسحاق بن على رهاوى، فواد سزگين، فرانكفورت: معهد تاريخ العلوم العربية و الاسلامية، ١٤٠٥ق / ١٩٨٥م.
- اصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، مسلم الداورى، تدوين: محمد على صالح المعلم، قم، بى نا، ١٤٢٦ق / ٢٠٠٥م
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمّد باقر مجلسى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
- تاريخ الأدب العربى، كارل بروكلمان، ترجمه: سيد يعقوب بكر، بيروت: دارالكتاب الإسلامى، ١٤٢٦ق / ٢٠٠٥م.
- تذكرة الفقهاء، حسن بن يوسف بن مطهر حلى، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام للاحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام للاحياء التراث، ١٤١٤ق / ١٣٧٢م.
- التذكرة المأمونية فى منافع الأغذية، جبرئيل ابن بختيشوع، استانبول، كتابخانه بشيرآغا، ش ٥٠٤ / ٢.
- تعليقه أمل الأمل، عبد الله افندى اصفهانى؛ تدوين و تحقيق: سيد احمد الحسينى، قم:

٦٥. رساله بختيشوع للمأمون العباسى فى تدبير البدن، ١٤٠١/٤، برگ ١-٤.

٦٦. بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ٣٢١.

٦٧. رساله بختيشوع للمأمون العباسى فى تدبير البدن، ١٤٠١/٢.

٦٨. التذكرة المأمونية فى منافع الأغذية، ج ٢، ص ٥٠٤.

٦٩. بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ٣٢٦.

٧٠. فردوس الحكمة، ص ٣٥١.

٧١. أدب الطيب، ص ٦٦.

- کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق/۱۳۶۹ش.
- جامع المقاصد، علی بن حسین کرکی، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، محمد حسن نجفی، تحقیق: محمود قوچانی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- خاتمة المستدرک، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۲۰-۱۴۰۷ق.
- خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال، حسن بن یوسف حلی، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، قم: منشورات الرضی، دوم، ۱۴۰۲ق.
- دانش نامه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۰ش.
- الذریعة، آقا بزگ تهرانی، نجف: مکتبة الغری، ۱۳۵۵ق.
- رجال الطوسی، ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چهارم، ۱۳۸۵ش.
- رجال النجاشی، أحمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ششم، ۱۴۱۸ق.
- الرجال لابن الغضائری، احمد بن حسین غضائری، تحقیق: محمد رضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- الرسالة الذهبیة، کتابخانه عمومی آیت الله حکیم، نسخه خطی ش ۲۳۷.
- الرسالة الذهبیة، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی ش ۳۹۳۶، تهران.
- الرسالة الهارونیة، مسیح بن حکم دمشقی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۸ش.
- رسالة بختیشوع للمأمون العباسی فی تدبیر البدن، جبرئیل ابن بختیشوع، کتابخانه حالت افندی استانبول، نسخه خطی ش ۱۴۰۱/۲.
- رسالة بختیشوع للمأمون العباسی فی تدبیر البدن، کتابخانه حالت افندی استانبول، ش ۱۴۰۱/۲.
- رسالة بقرط الحکیم فی تعلیم المعالجات، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، نسخه ش ۷۴۶۷، برگ ۵۴-۵۶.
- ریاض العلماء، میرزا عبد الله افندی اصفهانی، تصحیح: سید احمد حسینی، قم: کتابخانه

- آیة الله العظمیٰ مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
- ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، سید علی بن محمد طباطبائی، تحقیق: مؤسسہ آل البيت علیہ السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسہ آل البيت لإحياء التراث، دوم، ۱۴۲۱ق.
- شرح الرسالة الذهبية، محمد هاشم طبیب تهرانی، مرکز احیاء التراث الإسلامی، نسخة خطی ش ۳۱۷۵.
- الطب النبوی، ابن قیم جوزی، تحقیق: محمد کریم راجح، بیروت: دار و مكتبة الهلال، دوم، ۱۹۹۲م.
- عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، ابن أبی أصیبعه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- غنی منی، ابومنصور حسن بن نوح قمری، کتابخانہ مجلس شورای اسلامی، نسخہ خطی ۴۸۵۰، برگ ۵۳.
- فردوس الحکمة، علی بن ربن طبری، تهرآن: مؤسسہ مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- الفوائد الرضویة، محمد بن حسن مشهدی، قم: العلمیة، اول، ۱۴۰۰ق.
- فهرست عکسی کتابخانہ آیة الله مرعشی، ابوالفضل حافظیان، قم: کتابخانہ آیة الله العظمیٰ مرعشی نجفی، ۱۳۶۹ش.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسہ نشر الفقاهه، سوم، ۱۴۲۹ق.
- الفهرست، منتجب الدین رازی، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، قم: کتابخانہ آیة الله العظمیٰ مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ش.
- فهرستگان نسخہ های خطی حدیث و علوم حدیث شیعہ، علی صدرایی خویی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۲ش.
- القانون فی الطب، حسین بن عبد الله بن سینا، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
- القانون فی الطب، حسین بن عبد الله بن سینا، تحقیق: ادوار القش، بیروت: مؤسسہ عزالدین، ۱۴۰۸ق.
- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ق/۱۳۶۶ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهرآن: دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۷۷ق

- کتابخانه ابن طاووس واحوال و آثار او، اتان کلبرگ، ترجمه: سید علی قرایی- رسول جعفریان، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.

- کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، محمّد بن حسن بن محمّد اصفهانی (فاضل هندی)، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، سوم، ۱۴۳۱ق.

- المبسوط فی فقه الإمامیه، محمّد بن حسن طوسی، تصحیح: محمّد باقر بهبودی، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء آثار الجعفریة، دوم، ۱۳۸۸ق.

- معالم العلماء، ابن شهر آشوب محمّد بن علی، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.

- معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم خویی، پنجم، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م.

- «رساله ذهبیه (در علم طب) منسوب به حضرت رضا علیه السلام» مترجم: ابوعلی حسن بن ابراهیم سلماسی تصحیح: مهدی درخشان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال بیست و پنجم، پاییز ۱۳۶۲، ش ۱۰۱ - ۱۰۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی